



نیایش های موضوعی



تثبیت و تنظیم  
بنیادین المسئلة دعا



[مهج الدعوات] ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن علی قمی، معروف به ابن الخیاط، از هارون بن موسی تلعبیری، از عبدالواحد بن عبدالله بن یونس موصلی، از علی بن محمد بن احمد علوی، از عبدالرحمن بن علی بن زیاد روایت کرد که گفت: عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر گفته‌اند: روزی ما نزد مولایمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بودیم که حسن بن علی علیه السلام وارد شد و عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! بر در مردی است که از او بوی مُشک به مشام می‌رسد. فرمود: به او اجازه بده. پس مردی درشت اندام و خوش چهره، با سیمایی شگفت و هیئتی برجسته، زبان آور و بر او لباس پادشاهان بود، داخل شد. گفت: السلام علیک یا امیرالمؤمنین و رحمة الله و برکاته. من مردی‌ام از دورترین بلاد یمن، از اشراف عرب که نسبم به شما می‌رسد. پشت سرم ملکی بزرگ و نعمتی فراوان گذاشته‌ام و در رفاه و خوشی و زندگی آسوده و املاک



آبادم. روزگار امور را به من آزموده و تجربه‌هایم کرده است. دشمنی دارم بخیل و سختگیر که با بسیاری نیرو و یاور و انبوه جمعیتش بر من چیره شده و حيله‌هایم در برابرش به بن‌بست رسیده است. شبی در حال خواب بودم که ندا دهنده‌ای نزد من آمد و بانگ زد که: «برخیز ای مرد، به سوی برترین آفریده خدا پس از پیامبرش، امیرالمؤمنین، برو و از او بخواه دعایی را که حبیب خدا، برگزیده‌اش، و پاک‌ترین‌شان از آفریدگان، محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم. که درود خدا بر او و خاندانش باد. به او آموخت، به تو بیاموزد؛ که در آن، نام اعظم خداوند عزوجل است. به آن نام، بر دشمن ستیزه‌جوی خود دعا کن». ای امیرالمؤمنین! از خواب برخاستم و به هیچ کار دیگری نپرداختم تا با چهارصد بنده رو به سوی شما روان شدم. هم‌اکنون خدا و رسولش و شما را گواه می‌گیرم که همه آنان را آزاد کردم، و آزادی‌شان را فقط برای خدا، جلت عظمته، انجام دادم. از راهی دور و شهری بسیار دور نزدتان آمدم، که بدنم لاغر و قوتم کم شده است.



پس به حق پدری و پیوند نزدیک، بر من منت گذار و همان  
دعایی را که در خواب دیدم به من بیاموز، همان که منادی  
مرا امر کرد برای آن نزد تو بیایم. مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام  
فرمود: بلی، چنین خواهیم کرد ان شاء الله. سپس دوات و  
کاغذی خواست و این دعا را برایش نوشت:

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند رحمت گستر مهرورز

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ

خدا یا تویی خداوند پادشاه برحق که معبودی

إِلَّا أَنْتَ وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنْتَ رَبِّي ظَلَمْتُ

جز تو نیست و من بنده توأم و تو پروردگار منی،

نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ

بر خود ستم کردم و به گناهم اعتراف دارم و



إِلَّا أَنْتَ فَاعْفِرْ لِي يَا غَفُورٌ يَا شَكُورُ. اللَّهُمَّ

هیچ کس جز تو گناهان را نمی‌آمرزد؛ پس مرا

إِنِّي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى مَا

بیامرز ای آمرزنده، ای سپاس‌پذیر. خدایا، تو را

خَصَّصْتَنِي بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ وَمَا

ستایش می‌کنم و تو شایسته ستایشی به خاطر

وَصَلَ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ السَّابِغِ وَمَا أَوْلَيْتَنِي

آنچه از بخشش‌های برگزیده و عطایای فراوانت

بِهِ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ وَبَوَّأْتَنِي بِهِ مِنْ

بر من ارزانی داشتی، و از بخشش فراگیرت که

مَظِنَّةَ الْعَدْلِ وَأَنْلَتَنِي مِنْ مَنِّكَ الْوَاصِلِ

به من رسید، و از احسانت که شامل من شد،



إِلَيَّ وَمِنَ الدِّفَاعِ عَنِّي وَالتَّوْفِيقِ لِي وَالْإِجَابَةِ

و مرا در جایگاه عدالت نشاندی، و نعمت

لِدُعَائِي حَتَّىٰ أَنَاجِيكَ دَاعِيًا وَأَدْعُوكَ

پیوسته‌ات را به من رساندی، و از آسیب‌ها نگاه

مُضَامًا وَأَسْأَلُكَ فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ

داشتی، و توفیق و اجابت دعا به من دادی تا با

كُلِّهَا لِي جَابِرًا وَفِي الْأُمُورِ نَاطِرًا وَلِدُنُوبِي

تو راز بگویم و بخوانمت و از تو بخوام و تو را

غَافِرًا وَلِعَوْرَاتِي سَاتِرًا لَمْ أَعْدَمْ خَيْرَكَ

در همه موقعیت‌ها جبران‌کننده، در همه امور

طَرْفَةَ عَيْنٍ مُّذْ أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْإِخْتِبَارِ

ناظر، در برابر گناهانم آمرزنده، و عیب‌هایم



لَتَنْظُرَ مَا أَقْدِمُ لِدَارِ الْقَرَارِ فَأَنَا عَتِيقُكَ

را پوشاننده یابم؛ از آن زمانی که مرا به سرای

مِنْ جَمِيعِ الْاَقَاتِ وَالْمَصَائِبِ فِي اللّوَازِبِ

آزمون آوردی تا بنگری چه توشه‌ای برای سرای

وَالْغُومِ الَّتِي سَاوَرْتَنِي فِيهَا الْهُومُ

جاوید فراهم می‌کنم، هرگز لحظه‌ای از خیر

بِمَعَارِيضِ اَصْنَافِ الْبَلَاءِ وَمَصْرُوفِ

تو محروم نبودم. پس من آزادشده‌ام تو از بلاها و

جُهْدِ الْقَضَاءِ لِأَذْكَرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَمِيلَ

مصیبت‌های پی‌درپی‌ام که اندوه‌ها در آن‌ها

وَلَا أَرَى مِنْكَ غَيْرَ التَّفْضِيلِ خَيْرُكَ لِي

هجوم می‌آورد، با انواع ابتلا و فشار قضای



شَامِلٌ وَفَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ وَنِعْمَتُكَ

محتوم، و از تو جز زیبایی ندیدم و جز نیکویی

عِنْدِي مُتَّصِلَةٌ وَسَوَابِقُ لَمْ تُحَقِّقْ

از تو نیافتم؛ خیرت همواره شامل من و فضلت

حَذَارِي بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِي وَصَاحِبَتَ

پیوسته بر من و نعمت با من همراه بوده است.

أَسْفَارِي وَأَكْرَمْتَ أَحْضَارِي وَشَفَيْتَ

پیشین نیکی‌هایت بیمم را واقعیت نبخشید

أَمْرَاضِي وَأَوْصَايِي وَعَافَيْتَ مُنْقَلَبِي

بلکه امیدم را تصدیق کرد، در سفرها همراهم

وَمَثْوَايِي وَلَمْ تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي وَرَمَيْتَ

بود، در حضورم اکرام کردی، بیماری‌هایم را



مَنْ رَمَانِي وَكَفَيْتَنِي مَوْنَةً مِّنْ عَادَانِي

شفا دادی، در بازگشتم و اقامتم مرا عافیت

خَمْدِي لَكَ وَاصِلٌ وَثَنَائِي لَكَ دَائِمٌ مِّنْ

دادی، دشمنانم را شاد نکردی، آنان را که به

الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ بِاللَّوَانِ التَّسْبِيحِ خَالِصاً

من حمله کردند هدف قرار دادی، و از زیان

لِذِكْرِكَ وَمَرْضِيّاً لَكَ بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ

دشمنانم کفایت کردی. حمدم همواره برای

وَأِمْحَاضِ التَّمْجِيدِ بِطُولِ التَّعْدِيدِ

توست و ثنائیم بر تو پیوسته، از روزگاری تا روزگار

وَمَزِيَّةِ أَهْلِ الْمَزِيدِ لَمْ تُعَنْ فِي قُدْرَتِكَ

دیگر، با رنگ‌های تسبیح، خالص برای یاد تو



وَلَمْ تَشَارِكْ فِي إِلَهِيَّتِكَ وَلَمْ تُعَلِّمْ إِذْ

و پسندیده نزد تو، با یگانگی ناب و تمجید

حَبَسْتَ الْأَشْيَاءَ عَلَى الْغَرَائِزِ وَلَا خَرَقْتَ

خالص، با شمارش طولانی نعمت‌ها و بهره‌اهل

الْأَوْهَامُ حُجِبَ الْغُيُوبِ فَتَعْتَقِدُ فِيكَ

فزون‌ی. نزد تو، با یگانگی ناب و تمجید خالص،

مَحْدُوداً فِي عَظَمَتِكَ فَلَا يَبْلُغُكَ بَعْدُ

با شمارش طولانی نعمت‌ها و بهره‌اهل فزون‌ی. در

الْهَمِّ وَلَا يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِكْرِ وَلَا يَنْتَهِي

قدرت یاری جویی نداری، در الوهیت شریکی

إِلَيْكَ نَظْرٌ نَاطِرٌ فِي مَجْدِ جَبْرُوتِكَ

نیست، و نیازی به آموزش کسی نداشته‌ی آنگاه



ارْتَفَعَتْ عَنْ صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ صِفَاتُ

که موجودات را بر سرشتشان نگاه داشتی،

قُدْرَتِكَ وَعَلَا عَنْ ذَلِكَ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ

وهم‌ها نتوانستند پرده‌های غیب را بشکافند

لَا يَنْقُصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَزِدَادَ وَلَا يَزِدَادُ مَا

تا در عظمت حدی بیندارند؛ نه اندیشه‌ها به

أَرَدْتَ أَنْ يَنْقُصَ وَلَا أَحَدٌ حَضَرَكَ حِينَ

نهایت رسند و نه دیدگان در جلال جبروت

بَرَأَتِ النُّفُوسَ كَلَّتِ الْأَوْهَامُ عَنْ

نفوذ کنند. صفات قدرت برتر از ویژگی‌های

تَفْسِيرِ صِفَتِكَ وَانْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ

مخلوقان است، شکوه عظمت بالاتر از آن



كُنْهِ عَظَمَتِكَ وَكَيْفَ تُوصَفُ وَأَنْتَ

است؛ آنچه را بخواهی فزونی گیرد، کم نمی شود،

الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَرْلِيَا دَائِمًا

و آنچه را بخواهی کاسته شود، افزون نمی گردد.

فِي الْغُيُوبِ وَحَدِّكَ لَيْسَ فِيهَا غَيْرُكَ وَلَمْ

هیچ کس هنگام آفریده شدن جان ها در کنارت

يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ حَارَ فِي مَلَكُوتِكَ

نبود، وهم ها در شرح صفت در ماندند، عقل ها

عَمِيقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفْكِيرِ فَتَوَاضَعَتْ

از درک کنه عظمت با زمانند، چگونه توصیف

الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ وَعَنْتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ

شوی و حال آنکه تویی جبار قدوس که همیشه



الإِسْتِكَانَةَ لَكَ وَانْقَادَ كُلِّ شَيْءٍ

در نهان‌ها ازلی و پایدار بوده‌ای و در آنها جز

لِعَظَمَتِكَ وَاسْتَسْلَمَ كُلِّ شَيْءٍ

تو کسی نبوده و نیست. اندیشه‌های عمیق

لِقُدْرَتِكَ وَخَضَعَتْ لَكَ الرِّقَابُ وَكُلٌّ

در ملکوت سرگردان، پادشاهان در هیبت

دُونَ ذَلِكَ تَحْبِيرُ اللُّغَاتِ وَضَلَّ هُنَالِكَ

فروتن، چهره‌ها در برابر تو به ذلت و بندگی

التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ فَمَنْ

فرو افتاده، همه چیز به عظمت گردن نهاده و

تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ حَسِيرًا

در برابر قدرتت تسلیم شده است. گردن‌ها در



وَعَقْلُهُ مَبْهُورًا وَتَفَكُّرُهُ مُتَحِيرًا. اللَّهُمَّ

برابرت خم، زبان‌ها از شرح مقامت ناتوان، و

فَلَكَ الْحَمْدُ مُتَوَاتِرًا مُتَوَالِيًا مُتَّسِقًا

تدبیر در برابر تنوع صفات گم می‌شود؛ هر که

مُسْتَوْتِقًا يَدُومٌ وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي

در این‌ها بیندیشد، نگاهش خسته بازمی‌گردد،

الْمَلَكُوتِ وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْعَالَمِ

عقلش مبهوت می‌ماند و اندیشه‌اش سرگشته

وَلَا مُنْتَقِصٍ فِي الْعِرْفَانِ وَلَكَ الْحَمْدُ مَا

می‌شود. خدایا، ستایش پیوسته و هماهنگ و

لَا تُحْصَى مَكَارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ

استوار از آن توست، ستایشی که پایدار است



وَالصُّبْحِ إِذَا أُسْفَرَ وَفِي الْبَرَارِيِّ وَالْبِحَارِ

و نابود نمی‌شود و در ملکوت گم نمی‌گردد،

وَالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ وَفِي

در جهان محو نمی‌شود و در عرفان کاستی

الظَّهَائِرِ وَالْأَسْحَارِ. اللَّهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ قَدْ

ندارد. ستایش از آن توست در اندازه‌ای که

أَحْضَرْتَنِي الرَّغْبَةَ وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي

بزرگواری‌هایش به شمار نیاید، در شب هنگام

وَلَايَةِ الْعِصْمَةِ فَلَمْ أُبْرَحْ فِي سُبُوغِ

بازگشت، در سپیده‌دم، در بیابان‌ها و دریاها،

نَعْمَائِكَ وَتَتَابِعُ آيَاتِكَ مَحْفُوظًا لَكَ فِي

بامداد و شامگاه، عصر و صبح زود، ظهرها و



الْمَنْعَةِ وَالِدِفَاعِ مَحُوطاً بِكَ فِي مَثْوَايَ

سحرگهان. خدایا، به توفیقت مرا به رغبت

وَمُنْقَلَبِي وَلَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي إِذْ لَمْ

در پیشگاهت آوردی و مرا در ولایت عصمتت

تَرْضَ مِنْنِي إِلَّا طَاقَتِي وَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ

نهادی، پس همواره در فراوانی نعمت و پیاپی

بَالَعْتُ فِي الْمَقَالِ وَبَالَعْتُ فِي الْفَعَالِ

بودن آلاءت، در پناه حمایت و دفاعت،

بِبَالِغِ أَدَاءِ حَقِّكَ وَلَا مُكَافِئاً لِفَضْلِكَ

نگاهبان و پاسدار من بودی. بیش از توانم

لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ

تکلیف نکردی و جز توانم از من نخواستی،



تَغِبْ وَلَا تَغِيبُ عَنْكَ غَائِبَةٌ وَلَا تَخْفَى

و هر چه در گفتار و کردار بکوشم، توان ادای

عَلَيْكَ خَافِيَةٌ وَلَمْ تَضِلَّ لَكَ فِي ظُلْمٍ

حق تو را ندارم و جبران فضلت را نمی‌توانم؛

الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةٌ إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا

چه تویی خدای یکتا که هیچ نمان و آشکاری

أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. اللَّهُمَّ لَكَ

از تو غایب نمی‌ماند، و در تاریکی پنهان‌ها

الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ نَفْسَكَ

برایت گمشده‌ای نیست. فرمانت آن‌گاه که

وَأَضَعَفَ مَا حَمِدَكَ بِهِ الْحَامِدُونَ

بخواهی چیزی را، این است که به او بگویی



وَمَجِّدَكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ وَكَبَّرَكَ بِهِ

«باش»، پس می‌شود. خدایا، ستایش از آن

الْمُكَبِّرُونَ وَعَظَّمَكَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ حَتَّى

توست مانند ستایشی که خود از خود کرده‌ای،

يَكُونَنَّ لَكَ مِنِّي وَحْدِي فِي كُلِّ طَرْفَةٍ

و چندین برابر آنچه ستایشگران ستوده‌اند،

عَيْنٍ وَأَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ

تمجیدکنندگان تمجید کرده‌اند، تکبیرگویان

وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ وَتَقْدِيرِ

تکبیر گفته‌اند، و بزرگ داران بزرگ داشته‌اند، تا

أَجْنَاسِ الْعَارِفِينَ وَثَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ

آنکه از جانب من، در هر لحظه و کمتر از آن،



وَمِثْلَ مَا أَنْتَ بِهِ عَارِفٌ مِنْ رِزْقِكَ اِعْتِبَاراً

همانند حمد حامدان و یکتاسازی مخلصان

وَفَضْلاً وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ يَسِيراً صَغِيراً

و تقدیس عارفان و ثنای همه موحدان به تو

وَأَعْفَيْتَنِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ

برسد، همچون آنچه خودت دانی از روزی ات

وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي رَغْبَةٍ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ

که تفضل و بخشش است، و اندکی خواستی، و

مِنْ حَمْدِكَ فَمَا أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ

مرا از همه آفریدگانت بی نیاز کردی. به سوی تو

حَقِّكَ وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ

راغبم در آنچه زبانم را به حمدت گویا ساختی؛



اَبْتَدَاتُنِي بِالنِّعَمِ فَضْلاً وَطَوَّلاً وَأَمَرْتَنِي

چه آسان است آنچه از حقت تکلیف کردی و

بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدَلاً وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ

چه بزرگ است آنچه بر شکر وعده داده‌ای. با

أَضْعَافاً وَمَزِيداً وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ

فضل و کرمت آغازگر نعمت‌ها بر من شدی،

اعْتِبَاراً وَفَضْلاً وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ يَسِيراً

به شکر فرمان دادی و بر پایه عدل و اجبش

صَغِيراً وَأَعْفَيْتَنِي مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَلَمْ

کردی، بر آن پاداش چندین برابر و افزون وعده

تُسَلِّمَنِي لِلسُّوءِ مِنْ بَلَائِكَ مَعَ مَا أَوْلَيْتَنِي

دادی، از روزی‌ات فضلت را نشان دادی و



مِنَ الْعَافِيَةِ وَسَوَّغْتَ مِنِّي كَرَائِمَ النُّحْلِ

اندکی خواستی و مرا از رنج بلا نگه داشتی و به

وَضَاعَفْتَ لِي الْفَضْلَ مَعَ مَا أُوْدَعْتَنِي

بدی آن مبتلا نکردی، همراه با عطای عافیت

مِنَ الْحُجَّةِ الشَّرِيفَةِ وَيَسَّرْتَ لِي مِنَ

و بهره‌مند ساختن از بهترین بخشش‌ها، و دو

الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ وَأَصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ

برابر کردن فضلت، با حجت روشن و درجات

النَّبِيِّينَ دَعْوَةً وَأَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةً مُحَمَّدٌ

والا، و برگزیدن من در پیروی از برترین پیامبران

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا

صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ

در دعوت و برترین‌شان در شفاعت، محمد



مَغْفِرَتِكَ وَلَا يَمَحِقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ وَلَا يُكْفِرُهُ

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. خدایا، مرا بیامرز چندان که جز مغفرت

إِلَّا فَضْلُكَ وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا يَقِيناً

آن را دربرنگیرد و جز عفو محوش نکند و

تَهَوُّنٌ عَلَيَّ بِهِ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَأَحْزَانَهَا

جز فضلت جبران ننماید؛ در این روز ایمان و

بِشَوْقٍ إِلَيْكَ وَرَغْبَةٍ فِيمَا عِنْدَكَ وَاكْتِبْ

یقینی ده که با آن مصیبت‌ها و اندوه‌های دنیا

لِي عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ وَبَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ

بر من آسان گردد، با شوق به سوی تو و رغبت

وَأَرْزُقْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَإِنَّكَ

به آنچه نزد توست، برایم بخشش و کرامت ثبت



أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ

کن، شکر نعمتی که به من عطا کردی روزی ام

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الَّذِي لَيْسَ لِأَمْرِكَ

گردان؛ که تویی خدای یکتا و برتر و آغازگر و

مَدْفَعٌ وَلَا عَن قَضَائِكَ مُمْتَنِعٌ أَشْهَدُ

شگفت آفرین و شنوا و دانا که هیچ مانعی برای

أَنَّكَ رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فَاطِرُ

فرمانت و هیچ بازدارنده‌ای از قضایت نیست.

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمُ الْغَيْبِ

گواهی می‌دهم که تو پروردگار من و پروردگار

وَالشَّهَادَةِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

هر چیز هستی، آفریننده آسمان‌ها و زمین،

الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرَّشْدِ

دانای نهان و آشکار، بلندمرتبه و بزرگ. خدایا،

وَالشُّكْرَ عَلَى نِعْمَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ

از تو پایداری در کار و عزم بر راه درست و شکر

كُلِّ جَائِرٍ وَبَغْيٍ كُلِّ بَاغٍ وَحَسَدٍ كُلِّ

بر نعمت را می‌خواهم، و به تو پناه می‌برم از

حَاسِدٍ بِكَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَبِكَ

ستم هر ستمگر و تجاوز هر متجاوز و حسد

أَرْجُو وَوَلَايَةَ الْأَحِبَّاءِ مَعَ مَا لَا أُسْتَطِيعُ

هر حسود؛ به یاری تو بر دشمنانم می‌تازم

إِحْصَاءَهُ وَلَا تَعْدِيدَهُ مِنْ عَوَائِدِ فَضْلِكَ

و به تو ولایت دوستان را امید دارم، با آنچه



وَطَّرَفِ رِزْقِكَ وَالْوَانَ مَا أَوْلَيْتَ مِنْ

نمی‌توانم همه آن را شمارم از بازگشت‌های

إِرْفَادِكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

فضلت، گوشه‌هایی از روزی‌ات و گونه‌گون

أَنْتَ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ رِفْدُهُ الْبَاسِطُ

بخشش‌هایت؛ که تویی خدایی که جز تو

بِالْحَقِّ يَدُكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ

خدایی نیست، بخششت در آفرینش آشکار،

وَلَا تُنَازِعُ فِي أَمْرِكَ تَمْلِكُ مِنَ الْأَنْعَامِ مَا

دستت به حق گسترده، در حکم مخالفت نشود

تَشَاءُ وَلَا يَمْلِكُونَ إِلَّا مَا تُرِيدُ قُلِ اللَّهُمَّ

و در کار به چالش کشیده نگردی، از مردم آن را



مَالِكِ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ

که بخواهی مالک گردانی و جز آنچه تو خواهی

الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ

مالک نیستند. بگو: «خدایا، مالک پادشاهی،

مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

پادشاهی را به هر که خواهی می دهی و از هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ تُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ

که خواهی می گیری، هر که خواهی را عزت

النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ

می دهی و هر که خواهی را خواری، خیر به دست

وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرزُقُ مَنْ تَشَاءُ

توست که بر هر چیز توانایی، شب را در روز و



بِغَيْرِ حِسَابٍ. أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ

روز را در شب درمی آوری، زنده را از مرده و مرده

الْمَخَالِقُ الْبَارِيُّ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقَدَّسُ فِي

را از زنده بیرون می آوری، و به هر که خواهی

نُورِ الْقُدْسِ تَرَدَّدَيْتَ بِالْمَجْدِ وَالْعِزِّ

بی حساب روزی می دهی.» تویی نعمت بخش

وَتَعَزَّيْتُمَ بِالْكِبْرِيَاءِ وَتَغَشَّيْتُمَ بِالنُّورِ

و افزون کننده، آفریننده و برپا دارنده، توانا و

وَالْبَهَاءِ وَتَجَلَّلْتَ بِالْمَهَابَةِ وَالسَّنَاءِ لَكَ

چیره، مقدس در نور قدس، آراسته به شکوه

الْمَنْ الْقَدِيمُ وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ وَالْجُودُ

و عزت، بزرگوار در کبریا، پوشیده در نور و



الْوَاسِعُ وَالْقُدْرَةُ الْمُقْتَدِرَةُ جَعَلْتَنِي مِنْ

بهاء، پوشیده در هیبت و روشنی؛ برای توسل

أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ وَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً

بخشش قدیم و فرمانروایی والا و جود گسترده

صَحِيحاً سَوِيّاً مُعَافٍ وَلَمْ تَشْغَلْنِي

و قدرت نافذ. مرا از بهترین فرزندان آدم قرار

نُقْصَاناً فِي بَدَنِي وَلَمْ تَمْنَعْكَ كِرَامَتَكَ

دادی و شنوا و بینا و سالم و استوار و تندرست

إِيَّايَ وَحُسْنُ صَنِيعِكَ عِنْدِي وَفَضْلُ

آفریدی، نقصی در بدنم منعم نکردی، کرامت

إِنْعَامِكَ عَلَيَّ إِنَّ وَسِعَتْ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا

و نیکویی‌ات از من دریغ ننمودی، در دنیا بر



وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ أَهْلِهَا جَعَلْتَ

من گشایش دادی و بر بسیاری از مردم برتری

لِي سَمْعًا وَفُؤَادًا يَعْرِفَانِ عَظَمَتَكَ وَأَنَا

دادی، شنوایی و دلی بخشیدی که عظمت را

بِفَضْلِكَ حَامِدٌ وَبِجَهْدِ نَفْسِي لَكَ

بشناسد. من به فضلت ستایشگرم، با توان خود

شَاكِرٌ وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ فَإِنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ

شاکرم، و به حقت گواهی می دهم؛ که تویی زنده

كُلِّ حَيٍّ وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَحَيٌّ تَرِثُ

پیش از هر زنده و زنده پس از هر زنده، زنده‌ای

الْحَيَاةَ لَمْ تَقْطَعْ خَيْرَكَ عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ

که زندگی را به ارث می بری، خیرت را چشم



فِي كُلِّ وَقْتٍ وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتٍ  
برهم زدنی از من نبریدی، آسیبی از کيفرهایت  
النِّقَمِ وَلَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ دَقَائِقَ الْعِصْمِ فَلَوْ  
بر من فرو نیاوردی، و دقایق حفظ و عصمتم را  
لَمْ أَذْكَرْ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَّا عَفْوَكَ  
بر هم نزدی. اگر جز عفو و اجابت دعا و تقدیر  
وَإِجَابَةَ دُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي  
رزق هنگام بخشش چیزی از احسانت را یاد  
بِتَحْمِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ وَفِي قِسْمَةِ الْأَرْزَاقِ  
نمی‌کردم، باز سزاوار بود که بگویم: ستایش  
حِينَ قَدَّرْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا حَفِظَ  
تو را به شمار آنچه دانشت دربرگیری، توانت



عِلْمُكَ وَعَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ

احاطه کند و رحمت شامل شود. خدایا، پس

وَعَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ. اللَّهُمَّ فَتِمِّمْ

احسانت را در آنچه مانده کامل کن چنان که

إِحْسَانِكَ فِيمَا بَقِيَ كَمَا أَحْسَنْتَ فِيمَا

در گذشته نیکو کردی، که من به یکتایی ات،

مَضَى فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِتَوْحِيدِكَ وَتَمَجِيدِكَ

تمجیدت، تحمیدت، تهلیل و تکبیر و

وَتَحْمِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ

تعظیمت، و به نور و رأفت و رحمت و بلندی

وَبِنُورِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَعُلُوكَ وَجَمَالَكَ

و جمال و جلال و بهاء و سلطنت و قدرتت،



وَجَلَالِكَ وَبَهَائِكَ وَسُلْطَانِكَ وَقُدْرَتِكَ

و به محمد و خاندان پاکش، توسل می جویم

وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَعْمَمِّينِ

که مرا از بخشش و برکت محروم نسازی؛

رِفْدَكَ وَفَوَائِدَكَ فَإِنَّهُ لَا يَعْتَرِيكَ لِكثْرَةَ

زیرا فراوانی نعمتی که می بخشی گرفتار بخل

مَا يَنْدَفِقُ بِهِ عَوَائِقُ الْبُخْلِ وَلَا يَنْقُصُ

نمی کند، کوتاهی در شکر نعمتی نقصی در

جُودَكَ تَقْصِيرٌ فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَلَا تَفْنِي

جودت پدید نمی آورد، خزانه موهبت هایت با

خَزَائِنَ مَوَاهِبِكَ النِّعَمُ وَلَا تَخَافُ ضِيَمَ

نعمت ها پایان نپذیرد، از تهیدستی بیم نداری



إِمْلَاقٍ فَتُكْدِي وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفٌ عُدْمٍ

تا بخیل شوی، و از کمبود نمی‌هراسی تا فیض

فَيَنْقُصَ فَيْضُ فَضْلِكَ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي

فضلت را بکاهی. خدایا، دلی خاشع، یقینی

قَلْبًا خَاشِعًا وَيَقِينًا صَادِقًا وَلِسَانًا

صادق، زبانی یادکننده روزی‌ام کن، و مرا از

ذَاكِرًا وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ

مکر خود در امان مدار، پرده‌ات را از من برندار،

عَنِّي سِرِّكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُبَاعِدْنِي

ذکرت را از یادم مبر، از جوارت دورم مساز،

مِنْ جَوَارِكَ وَلَا تَقْطَعْ عَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ

از رحمت محرومم مکن، از نسیم گشایش



وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ رَوْحِكَ وَكُنْ لِي أُنْسًا مِنْ

نامیدم مگردان، مونس من در هر وحشت،

كُلِّ وَحْشَةٍ وَأَعِصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ

نگاهبانم از هر هلاکت، و رهاننده‌ام از هر بلا

وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ فَإِنَّكَ لَا تُخْلِفُ

باش؛ که تو خلف وعده نمی‌کنی. خدایا، مرا

الْمِيعَادَ. اللَّهُمَّ ارْفَعْنِي وَلَا تَضَعْنِي

بالا بر و فرو مبر، بیفزا و کم مکن، بر من رحم

وَزِدَّنِي وَلَا تَنْقُصْنِي وَارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي

کن و عذاب مده، یاریم کن و خوایم مکن، مرا

وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي وَآثِرْنِي وَلَا تُؤْتِرْ

برگزین و دیگری را بر من برمگزین، و بر محمد و



# عَلَيَّْ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خاندان پاک و پاکیزه اش درود فرست و سلامی

## الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا.

کامل بفرست.

عبدالله بن عباس گوید: سپس امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمود: بنگر که این دعا را حفظ کنی و یک روز هم از خواندنش غفلت نورزی؛ چرا که امید دارم وقتی به شهرت برمی گردی، خداوند دشمنت را نابود کرده باشد. من از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که فرمود: اگر کسی این دعا را با نیتی صادق و دلی خاشع بخواند، آنگاه به کوهها فرمان دهد تا همراه او حرکت کنند، حرکت خواهند کرد، و اگر بر روی دریا برود، بر آن راه خواهد رفت. آن مرد به سوی دیارش رفت، و پس از چهل روز، نامه ای به مولایمان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ رسید که: خداوند دشمنش را هلاک کرده، حتی یک مرد در ناحیه او باقی نمانده است. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: من این را می دانستم، چرا که



رسول خدا ﷺ آن را به من آموخته است، و هیچ کاری بر من  
دشوار نشد مگر آنکه با این دعا آسان گردید.

مهج الدعوات، ص: ۱۰۶.



بنیاد بین المللی دعا  
مؤسسة الدعاء العالمية  
Dua International Foundation



<https://bonyadedoa.com>



+۹۸ ۹۱۹۱۹۶۹۸ ۰۰